

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: اسکات ریتر
برگردان: طلحه حسنی
۲۰ سپتمبر ۲۰۲۲

چرا علی رغم بردهای اوکراین، هنوز هم روسیه پیروز خواهد شد



Sputnik

روسیه دیگر با ارتش مجهز شده اوکراین توسط ناتو نمی‌جنگد، بلکه با ارتش ناتو که توسط اوکراینی‌ها اداره می‌شود می‌جنگد. با این حال، روسیه با وجود عقب‌نشینی در خارکف همچنان دست بالا را دارد.

ارتش اوکراین روز اول سپتمبر حمله بزرگی را علیه نیروهای روسی مستقر در منطقه شمال شهر جنوبی خرسون آغاز کرد. ده روز بعد، اوکراینی‌ها دامنه و میزان عملیات تهاجمی خود را گسترش دادند و منطقه اطراف شمال را نیز در اختیار گرفتند. در حالی که حمله به خرسون با تحمیل خسارات سنگین نظامی و انسانی به اوکراینی‌ها، توسط روس‌ها به عقب رانده شد، اما حمله به خارکف با موفقیت بزرگی همراه بود و هزاران کیلومتر مربع از اراضی که قبلاً در اشغال سربازان روسی بود، دوباره به کنترل نیروهای دولتی اوکراین تحت درآمد.

وزارت دفاع روسیه (MOD) به جای آغاز عملیات متقابل خود علیه اوکراینی‌های فعال در منطقه خارکف، اعلامیه‌ای صادر کرد که بسیاری آن را تکان‌دهنده ارزیابی کردند. در این اعلامیه گفته شد: «برای دستیابی به اهداف اعلام شده عملیات ویژه نظامی برای آزادسازی دونباس، تصمیم بر آن شد تا جهت افزایش تلاش‌ها به سمت دونتسک نیروهای روسیه را تجدید سازمان دهیم...» در این گزارش آمده است، وزارت دفاع روسیه با کم‌اهمیت جلوه دادن مفهوم عقب‌نشینی، اعلام کرد «بدین منظور، ظرف سه روز، عملیاتی برای محدود کردن و سازماندهی انتقال نیروهای [روسی] به قلمرو جمهوری خلق دونتسک انجام شد. در جریان این عملیات، «تعدادی تدابیر گمراه‌کننده و نمایشی انجام

شد که نشان‌دهنده اقدامات واقعی نیروهای ما بود» که به گفته روس‌ها، «طی آن بیش از دو هزار جنگجوی اوکراینی و خارجی کشته و بیش از صد دستگاه خودروی زرهی و توپخانه [دشمن] نابود شدند»
به گفته جاودانه یوگی برا ۱: این همان «حس آشنا در همه جا» بود.

مراحل جنگ

سرهنگ سرگئی رودسکوی، رئیس بخش عملیاتی اصلی ستاد کل نیروهای مسلح روسیه فدراسیون در ۲۵ مارچ، در یک جلسه توضیحی پایان مرحله اول «عملیات ویژه نظامی» روسیه (SMO) در اوکراین را اعلام کرد. اهداف این عملیات، که در ۲۴ فبروری آغاز شده بود، زمانی که نیروهای روسی از مرز با اوکراین عبور کردند، ایجاد «چنان آسیبی به زیرساخت‌های نظامی، تجهیزات، پرسنل نیروهای مسلح اوکراین» بود تا با شناسایی آنها، از هرگونه تقویت قابل توجه نیروهای اوکراینی مستقر در منطقه دونباس جلوگیری نماید.

رودسکوی سپس اعلام کرد که نیروهای روسی به قصد سازماندهی مجدد و تمرکز «روی هدف اصلی یعنی آزادسازی کامل دونباس» نیروهای خود را خارج خواهد کرد.

بدین ترتیب فاز دوم آغاز شد، که من در مقاله‌ای در ۳۰ ماه مه در کنسرسیوم نیوز، ضرورت فاز سوم را مورد بحث قرار دادم. من آنجا یادآور شدم «هر دو فاز یک و فاز دو عملیات روسیه به طور خاص بر پایه الزامات نظامی ضروری برای از بین بردن تهدیدهای ایجاد شده برای لوگانسک و دونتسک در نتیجه افزایش قدرت نظامی اوکراین در شرق اوکراین طراحی شده بودند. روسیه به زودی اعلام خواهد کرد که نیروهای نظامی اوکراینی را که در شرق مستقر بودند، شکست داده است و با این کار به مفهوم تهدید قریب‌الوقوع که به روسیه توجیه قانونی برای انجام عملیات خود را می‌داد، پایان داده است.»

من نوشتم که «چنین نتیجه‌ای روسیه را با تعدادی از اهداف سیاسی محقق نشده، از جمله پاکسازی نازی‌ها، غیرنظامی کردن، بی‌طرفی دائمی اوکراین، و هماهنگی ناتو با چارچوب امنیتی جدید اروپا در امتداد خطوطی که روسیه در سند پیشنهادی دسمبر ۲۰۲۱ خود ترسیم کرده بود باقی می‌گذارد.» من اعلام کردم «اگر روسیه عملیات نظامی خود را در این مقطع متوقف کند، به معنای واگذاری پیروزی سیاسی به اوکراین است که ضمن شکست خوردن «برنده» می‌شود». راستای فکر من بر این باور متکی بود که «اگر قبلاً می‌توانستیم استدلال کنیم که تا زمانی که نیروهای اوکراینی از قدرت رزمی کافی برای بازپس‌گیری منطقه دونباس برخوردار باشند، یک تهدید قریب‌الوقوع وجود خواهد داشت، امروز دیگر چنین استدلالی را نمی‌توان مطرح کرد.»

به طور خلاصه، من بر این باور بودم که انگیزه فرا رفتن روسیه به مرحله سوم تنها پس از تکمیل مأموریت خود در آزادسازی دونباس در فاز دو خواهد بود. گفتم: «اوکراین، حتی با کمک‌های نظامی گسترده ناتو، دیگر هرگز در موقعیتی نخواهد بود که غلبه روسیه بر منطقه دونباس را تهدید کند.»

من اشتباه می‌کردم.

آن ابله‌باز، نویسنده نومحافظه‌کار آتلانتیک، اخیراً با ژنرال یوهن موسیوک، معاون فرمانده کل نیروهای مسلح اوکراین، درباره عملیات تهاجمی موفق اوکراین مصاحبه کرد. موسیوک گفت: «آنچه واقعاً ما را شگفت‌زده می‌کند، این است که نیروهای روسی مقابله نمی‌کنند.»

اپلبام حرف خود را به زبان جنرال می‌گذارد و دربارهٔ سربازان روسی می‌نویسد: «به آنها پیشنهاد جنگ یا فرار داده شد، به نظر می‌رسد که بسیاری از آنها با بیشترین سرعت ممکن فرار می‌کنند.»

اپلبام نتیجه می‌گیرد که موفقیت اوکراین در میدان نبرد واقعیت جدیدی را ایجاد کرده است، موقعیتی که اوکراینی‌ها «می‌توانند در این جنگ پیروز شوند» و با انجام این کار، «پایان رژیم پوتین» را رقم بزنند.

جنگ امر پیچیده‌ای است [و] به نظر می‌رسد اپلبام چیزی از آن نمی‌داند. هم ارتش اوکراین و هم ارتش روسیه، سازمان‌های بزرگ و حرفه‌ای هستند که توسط مؤسساتی که برای تولید جنگجویان خبره طراحی شده‌اند، پشتیبانی می‌شوند. هر دو ارتش بخوبی رهبری می‌شوند، مجهز هستند و برای انجام مأموریت‌هایی که به آنها محول می‌شود، آماده هستند. آنها از بزرگترین سازمان‌های نظامی در اروپا هستند. علاوه بر این، ارتش روسیه متشکل از افسرانی با بالاترین کیفیت است که آموزش‌های گسترده‌ای را در عرصه هنرهای نظامی دیده‌اند. آنها در ستراتیژی، عملیات و تاکتیک متخصص هستند. آنها کار خود را بلدند.

ارتش اوکراین هم به نوبهٔ خود، در سال‌های پس از ۲۰۱۴ دستخوش دگرگونی بنیادین شده است، جایی که دکترین دوران شوروی با یک دکترین ترکیبی شامل دکترین ناتو و روش‌های آن جایگزین شد. این دگرگونی از زمان حملهٔ روسیه به طور چشمگیری سرعت یافت و ارتش اوکراین عملاً از تجهیزات سنگین قدیمی دوران شوروی به زرادخانه‌ای بازتاب‌دهندهٔ سازمان‌دهی و تجهیزات کشورهای ناتو از طریق تأمین میلیارد‌ها دالر تجهیزات و آموزش تبدیل شده است.

اوکراینی‌ها، مانند هم‌تایان روسی خود، متخصصان نظامی هستند که هنگام ضرورت در انطباق خود با واقعیت‌های میدان جنگ مهارت دارند. با این حال، تجربهٔ اوکراین با تلاش برای ترکیب دو رویکرد متفاوت اعتقادی به جنگ (دوران شوروی و ناتو مدرن) در شرایط جنگی پیچیده‌ای قرار دارد. این پیچیدگی زمینه‌ای برای بروز اشتباهات ایجاد می‌کند و اشتباهات در میدان جنگ اغلب به تلفات – تلفات قابل توجه – منجر می‌شود. روسیه در شش ماه پس از ورود به اوکراین، به سه روش مختلف جنگیده است. اولین جنگ یک مانور جنگی بود که برای تصرف هر چه بیشتر قلمرو برای شکل دادن به میدان جنگ از نظر نظامی و سیاسی طراحی شده بود.

این عملیات با حدود ۲۰۰ هزار نیروی روسی و متحدانش در مقابل ارتش فعال اوکراینی متشکل از ۲۶۰ هزار سرباز با حمایت ۶۰۰ هزار نیروی ذخیره انجام شد. نسبت مهاجم-مدافع ۱ به ۳ نسبت درستی نبود و روس‌ها با استفاده از سرعت، غافلگیری و شهادت کوشیدند تا برتری عددی اوکراین را به حداقل برسانند، و در این روند امیدوار بودند تا یک فروپاشی سریع سیاسی در اوکراین از هرگونه درگیری بزرگ بین نیروهای روسی و اوکراینی جلوگیری نماید. این برنامه در برخی مناطق (مثلاً در اطراف خرسون در جنوب) موفق شد و باعث متوقف کردن نیروهای اوکراینی در محل خود و انحراف نیروهای کمکی از مناطق بحرانی عملیات شد. اما از نظر ستراتیژیک شکست خورد – اوکراینی‌ها فرونپاشیدند، بلکه مستحکم شدند و این وجود یک مبارزهٔ طولانی و سخت در آینده را قطعی کرد.

در مرحلهٔ دوم عملیات روسیه، روس‌ها برای تمرکز بر آزادسازی دونباس تجدید سازمان کردند. در اینجا، روسیه روش عملیاتی خود را با استفاده از برتری خود در قدرت آتش برای پیشروی آهسته و عمدی علیه نیروهای اوکراینی که در شبکه‌های دفاعی گسترده مخفی شده بودند، تطبیق داد. انجام این کار به تعداد نامعلومی از تلفات انسانی منجر شد هر چند نسبت این تلفات یک روس در مقابل ده کشته یا زخمی اوکراینی بود. در حالی که روسیه به آرامی در برابر نیروهای اوکراینی در مخفی‌گاه‌ها پیشروی می‌کرد، ایالات متحده و ناتو میلیارد‌ها دالر تجهیزات نظامی از جمله معادل

چندین لشکر زرهی (تانک، خودروهای زرهی جنگی، توپخانه و خودروهای پشتیبانی) همراه با آموزش گسترده این تجهیزات در تأسیسات نظامی خارج از اوکراین، در اختیار اوکراین قرار دادند. به طور خلاصه، در حالی که روسیه مشغول از بین بردن ارتش اوکراین در میدان نبرد بود، اوکراین مشغول بازسازی ارتش بود، و واحدهای تخریب شده را با نیروهای تازه‌ای که بسیار مجهز، آموزش دیده و به خوبی رهبری می‌شدند جایگزین کرد. در مرحله دوم درگیری، روسیه ارتش قدیمی اوکراین را نابود کرد. در عوض، روسیه با واحدهای زمینی و ملی بسیج شده که متشکل از نیروهای جدیداً آموزش دیده با پشتیبانی ناتو بودند، مواجه شدند. اما بخش عمده‌ای از نیروهای آموزش‌دیده ناتو به صورت ذخیره نگهداری می‌شدند.

مرحله سوم: ناتو در مقابل روسیه

این‌ها همان نیروهائی هستند که موظف به جنگ فعلی بودند. [اکنون] روسیه خود را در یک جنگ تمام عیار نیابتی با ناتو می‌بیند و با یک نیروی نظامی مدل ناتو روبه روست که از نظر لجستیکی توسط ناتو پشتیبانی می‌شود، توسط ناتو آموزش می‌بیند، اطلاعات ناتو را دریافت می‌کند و هماهنگ با طراحان نظامی ناتو کار می‌کند. این بدان معناست که ضد حمله کنونی اوکراین نباید به عنوان گسترش مرحله دوم نبرد، بلکه آغاز مرحله سوم جدیدی است که دیگر درگیری اوکراین و روسیه نیست، بلکه درگیری ناتو و روسیه است.

طراحی نبرد اوکراین با حک همه نشانه‌ها بر آن «ساخت بروکسل» است. ترکیب نیروها توسط ناتو تعیین شد، همچنان‌که زمان حملات و جهت حملات. اطلاعات ناتو با دقت شکاف‌های دفاعی روسیه را شناسایی کرد؛ فرماندهی و کنترل، لجستیک و مناطق تمرکز نیروهای ذخیره را که توسط توپخانه اوکراینی بر پایه طراحی کنترل آتش توسط ناتو هدف قرار گرفتند، شناسایی کرد. به طور خلاصه، ارتش اوکراین که روسیه در خرسون و اطراف خارکف با آن روبه رو شد، شبیه هیچ دشمن اوکراینی قبلی نبود. روسیه دیگر نه با ارتش اوکراین مجهز شده توسط ناتو، بلکه با ارتش ناتو که توسط اوکراینی‌ها اداره می‌شود می‌جنگد.

اوکراین همچنان در حال دریافت دریافت میلیاردها دلار کمک نظامی است و در حال حاضر ده‌ها هزار سرباز در کشورهای ناتو در حال گذراندن آموزش‌های گسترده‌ای هستند. [بدین ترتیب، - م] مرحله چهارم و مرحله پنجم وجود خواهد داشت... هر چند مرحله‌ای که لازم باشد پیش از آن که اوکراین دیگر خواهان جنگیدن و مردن نباشد؛ پیش از آن که ناتو دیگر قادر به ادامه تدارکات ارتش اوکراین نباشد؛ یا پیش از آن که روسیه دیگر تمایلی به ادامه مبارزه در یک درگیری بی‌نتیجه در اوکراین نداشته باشد. در ماه مه، من تصمیم ایالات متحده برای ارائه میلیاردها دلار کمک نظامی به اوکراین را «تغییردهنده بازی» نامیدم.

شکست گسترده اطلاعاتی

آنچه امروز در اوکراین شاهد آن هستیم این که چگونه این پول بازی را تغییر داده است. نتیجه کشته شدن بیشتر نیروهای اوکراینی و روسی، کشته شدن بیشتر غیرنظامیان و انهدام بیشتر تجهیزات است. با این حال، اگر روسیه در پی پیروزی باشد، باید بسیاری از ناکامی‌های خود را که منجر به حمله موفق اوکراین شد، شناسایی کرده و خود را متناسب با آنها تطبیق دهد. اول و مهمتر از همه، حمله اوکراین به اطراف خارکف نشان‌دهنده یکی از جدی‌ترین شکست‌های اطلاعاتی است که یک نیروی نظامی حرفه‌ای از زمان شکست اسرائیل در پیش‌بینی حمله مصر به کانال سوئز در جنگ یام‌کیپر در سال ۱۹۷۳ آغاز کرد.

اوکراینی‌ها هفته‌ها بود که قصد خود برای انجام یک حمله در منطقه خرسون را اعلام کرده بودند. ظاهراً زمانی که اوکراین حملات خود در امتداد خط خرسون را آغاز کرد، بنا بر فرض روسیه، انتظار این حمله از مدت‌ها پیش می‌رفت، [بنابراین] نیروهای ذخیره و کمکی خود را به این جبهه فرستاد. اوکراینی‌ها با تلفات سنگین عقب رانده شدند، اما نه پیش از آن که روسیه نیروهای ذخیره خود را به کار گیرد. زمانی که ارتش اوکراین چند روز بعد به منطقه خارکف حمله کرد، روسیه غافلگیر شد. و در این زمان میزان حضور و دخالت خود ناتو در تمامی عرصه‌های عملیات نظامی اوکراین دیده می‌شود.

چگونه چنین اتفاقی امکان‌پذیر شد؟ شکست اطلاعاتی به این بزرگی نشان‌دهنده ضعف در توانایی روسیه در جمع‌آوری اطلاعات و همچنین ناتوانی در ارزیابی‌های به موقع و دقیق برای رهبری روسیه است. این امر نیازمند یک بررسی از بالا به پایین است تا بتواند همه نکات را با دقت مورد توجه قرار دهد. به طور خلاصه، و بزودی، خون‌ها ریخته خواهد شد. این جنگ به این زودی‌ها متوقف نخواهد شد و اوکراین همچنان برای اقدامات تهاجمی آینده آماده می‌شود. در پایان، من هنوز معتقدم که پایان بازی به همان شکل باقی خواهد ماند – روسیه برنده خواهد بود. اما هزینه ادامه و گسترش این جنگ برای همه طرف‌های درگیر بسیار بیشتر شده است. ضد حمله موفق اوکراین باید در یک چارچوب درست ارزیابی شود. تلفاتی که اوکراین برای دستیابی به این پیروزی متحمل شده است و هنوز هم متحمل می‌شود، نمی‌تواند ادامه یابد. اوکراین ذخایر ستراتیژیک خود را تمام کرده است، و اگر مایل به ادامه پیشروی در همین راستا باشد، باید آنها را بازسازی نماید، چیزی که ماه‌ها طول خواهد کشید.

در این میان روسیه چیزی بیش از فضای غیرقابل دفاعی را از دست نداده است. تلفات روسیه بسیار کم بوده است و تجهیزات منهدم شده براحتی جایگزین شده‌اند. روسیه در واقع موقعیت نظامی خود را در حالی با ایجاد خطوط دفاعی قوی در شمال که قادر به مقاومت در برابر هرگونه حمله اوکراینی باشد، تقویت کرده است که قدرت رزمی موجود برای تکمیل وظیفه آزادسازی باقی‌مانده جمهوری خلق دونتسک تحت کنترل اوکراین را هم افزایش داده است. روسیه عمق ستراتیژیک بسیار بیشتری نسبت به اوکراین دارد. روسیه حمله به اهداف زیرساختی حیاتی مانند نیروگاه‌ها را شروع کرده است، حملاتی که نه تنها اقتصاد اوکراین، بلکه توانایی آنها برای جابه‌جایی سریع تعداد زیاد نیرو از طریق قطار را نیز فلج خواهد کرد.

روسیه از درس‌هایی که شکست خارکف به آن داده است بسیار خواهد آموخت و به اهداف مأموریت اعلام شده خود ادامه خواهد داد. در نهایت – حمله خارکف برای اوکراین به همان خوبی بود که می‌خواست، در حالی که روسیه هم به ضعیف‌ترین موقعیت خود نزدیک نشد. روسیه باید برای رفع عوامل شکست خارکف تغییراتی ایجاد کند. برنده شدن در یک نبرد یک چیز و پیروزی در یک جنگ چیز دیگری است. برای اوکراین، تحمل خسارات سنگین در نیروهای خودی همراه با خسارات محدودی است که به روسیه وارد شده است، به این معنی که در بهترین حالت، حمله خارکف یک بُرد بدتر از باخت است، بُردی که قادر به تغییر این واقعیت اساسی نیست که روسیه در درگیری در اوکراین برنده است و برنده خواهد بود.

<https://consortiumnews.com/2022/09/12/scott-ritter-why-russia-will-still-win-despite-ukraines-gains/>

۱. بوگی برا، بازیکن افسانه‌ی بیس‌بال امریکا، که جملات قصار معروفی دارد.

مجله دانش و امید